

## شهید مزاری و تلاش برای نهادینه سازی الگوهای نظام سیاسی در افغانستان



عارفه پیکار ✍

غالب در گفتمان سیاست و قدرت افغانستان منطق حذف و انحصار قدرت بود.

شهید مزاری در عصری بحث اصلاح نظام و عدالت اجتماعی را مطرح کرد که نفاق قومی، مذهبی و حزبی افغانستان را به جزیره‌های قومی و حزبی مبدل کرده بود و ماهیت و فلسفه وجودی دولت زیر سؤال رفته بود و پیشداوری‌های قومی و حزبی نیز باعث می‌شد طرح‌های اصلاح طلبانه شنونده فراگیر نداشته باشد؛ اما زمانی که رقابت‌ها فروکش کرد و براساس تعهدات جامعه جهانی اداره موقت ایجاد شد، فضا برای گفتمان دولت مدرن با مشارکت مردم فراهم شد و شهید مزاری را می‌توان معمار فکری گفتمان دولت مدرن نامید. طرح نظام فدرالی، تشکیل دولت مرکزی توسط انتخابات آزاد و مشارکتی متناسبی اقوام در قدرت سیاسی کشور از جمله راه‌حل‌هایی بودند که شهید مزاری برای پایان دادن به حکومت‌های نیمه خودمختار قومی آن زمان افغانستان ارائه کرد. شهید مزاری آن چه را به عنوان راه‌حل ارایه می‌کرد، طرح خیال پردازانه نبود و کسانی که از آن روز تا امروز از افکار و آرمان شهید مزاری حمایت می‌کنند، بر مبنای تبار مشترک نیست. گرچه فلسفه دولت فعلی مبنای انتخاباتی دارد؛ ولی بحث تمرکز قدرت، مشارکت عادلانه اقوام، انکشاف متوازن و تعدیل واحدهای اداری عناوین

تجلیل از بیست و پنجمین سالروز شهادت شهید مزاری و پرداختن به اندیشه‌های آن مرد مبارز نشانگر آن است که آرمان و اندیشه شهید مزاری کتاب خواندنی در امتداد تاریخ است. تا زمانی که عدالت فریاد انسان این سرزمین باشد، مزاری کتابی است خواندنی و داستان تلخی شنیدنی است. تحول طلبی در ساختار قدرت و نظام اساس خط فکری مبارزات سیاسی-مدنی شهید مزاری را تشکیل می‌داد، داعیه‌ای که هنوز محوری‌ترین گفتمان سیاسی افغانستان را تشکیل می‌دهد. افغانستان میدان تجربه نظام‌ها و رژیم‌های گوناگون بوده است و تا قبل از دهه هفتاد ما شاهد مبارزه هدفمند گروه‌ها و جریان‌هایی که بر مبنای یک طرح برای آینده افغانستان مبارزه کنند، نبودیم. یک تعداد شاهد بودند و نسلی که من به آن تعلق دارم با مطالعه دریافتم که افغانستان تا اواخر دهه هفتاد به میدانی می‌ماند که گروه‌ها با شعار اصلاحات اما با رویکرد حذفی مبارزه می‌کردند، قدرت را تصاحب می‌شدند و سپس گروه‌های دیگر برای شکست آنان مبارزه می‌کردند، به قدرت می‌رسیدند و گروه‌های دیگر مبارزه را شروع می‌کردند. این دور باطل مبارزه هیچگاه بر اساس طرح قابل دفاع نمی‌چرخید. از دوران حکومت شاهی تا امارت اسلامی طالبان، منطق

برجسته و پرتعدادار گفتمان‌های سیاسی را تشکیل می‌دهد. در این یادداشت به مناسبت سالیاد اسطوره‌ی عدالت‌خواهی می‌خواهم روی سه مطالبه‌ی مهم شهید مزاری که می‌تواند به پویایی نظام سیاسی مردم محور منجر شود، تمرکز کنم.

## محور اول، اصلاح نظام

آنچه شهید مزاری را وادار به مطالعه نظام‌ها در جهان کرد و در نهایت طرح نظام فدرالی را همچون راه‌حل ارائه کرد، تمرکز قدرت در مرکز، توزیع ناعادلانه منابع و فروریختن شیرازه دولت مقتدر مرکزی بود که در نتیجه آن حکومت‌های نیمه خودمختار غیررسمی در چهار سمت کشور به وجود آمده بودند؛ اما چندین دهه جنگ افغانستان که با عصبیت‌های قومی و نژادی عجیب شده بود احزاب و جریان‌های سیاسی را نیز به شدت متأثر ساخته بود و با احزاب قومی دشوار بود طرح دولت فدرال شهید مزاری مورد استقبال واقع شود. هدف اساسی شهید مزاری ایجاد دولت ملی، فراگیر و مردمی که متضمن عدالت اجتماعی در افغانستان باشد، بود و ایجاد دولت فدرال را همچون ابزار برای تحقق عدالت اجتماعی می‌دانست؛ اما متأسفانه احزاب و جریان‌های سیاسی تفسیرهایی چون تجزیه‌طلبی را از طرح دولت فدرال شهید مزاری استنتاج کردند. راهکار دوم که شهید مزاری برای اصلاح نظام در آن زمان پیشنهاد کرد، تشکیل دولت مرکزی توسط انتخابات آزاد و سری بود که در نتیجه رقابت احزاب، حزبی که اکثریت آرای مردم را داشته باشد، دولت جدید را ایجاد می‌کند.

## محور دوم، مشارکت عادلانه اقوام در حکومت

مشارکت عادلانه محوری‌ترین بحث در گفتمان عدالت اجتماعی است. شمولیت اجتماعی (social inclusion) یک بحث جهانی است و حتی در تطبیق پروژه‌های بزرگ انکشافی توسط نهادهای بین‌المللی در کشورهای مختلف جهان به عنوان یک پالیسی در نظر گرفته می‌شود. شهید مزاری داعیه مشارکت عادلانه را در قدرت با سنجش درصدی حضور اقوام در افغانستان پیوند داد. شهید مزاری باور داشت اگر تمام اقوام بر اساس شعاع وجودی‌شان در افغانستان در ساختار حکومت حضور داشته باشند، منازعات چندین دهه بر سر قدرت

را می‌توان حل کرد. سنجش نفوس بر اساس ابزارهای قابل اعتماد، موردی بود که شهید مزاری برای ختم داعیه اکثریت و اقلیت در افغانستان مطرح کرد.

## محور سوم، تغییر ساختار اداری

ساختار اداری افغانستان نه تنها که ناعادلانه و سلیقه‌ای است؛ بلکه بر اساس اصول توسعه و مدیریت، این ساختار را می‌توان یکی از موانع جدی در مقابل توسعه و رسیدن به توسعه پایدار دانست. معیارهایی چون نفوس، مساحت و پوتانسیل شهر شدن در ساختار اداری افغانستان به ندرت رعایت شده است. از ساختار اداری باقیمانده از گذشته آن چه استنتاج می‌شود، تبعیض و بی‌عدالتی است. اُسوالی‌هایی که بیشتر از ولایت نفوس و مساحت دارند و ولایت‌هایی که کوچک‌تر از یک اُسوالی ظرفیت دارند. این موارد را شهید مزاری در آن زمان به صورت جدی برجسته کرد و برای حل این چالش راهکار اداری را پیشنهاد کرد.

## الگوهای نظام‌سازی شهید مزاری در افغانستان

### پس از بُن

هدف غایی برای شهید مزاری عدالت اجتماعی بود. شهید مزاری هیچ یک از راه‌حل‌های خود را خط قرمز ندانست. اگر طرح نظام فدرالی را مطرح کرد و یا انتخابات آزاد، این موارد را وسیله‌ای می‌دانست برای تحقق عدالت اجتماعی و برای خاتمه بخشیدن به سیستم حکومت‌داری متمرکز مطلق. مواردی را شهید مزاری در مبارزات سیاسی‌اش مطرح کرد گرچه مجال تحقق نیافت؛ اما همین مبارزات باعث شد در کنفرانس بُن در مورد جایگاه هزاره‌ها بحث شود و موضوع مشارکت تناسبی اقوام نیز درج فیصله‌نامه کنفرانس بُن شود. با ایجاد افغانستان پس از بُن فرصت برای پیگیری آرمان‌های شهید مزاری فراهم بود. رهبران احزاب و جریان‌های سیاسی که در سه دهه جنگ و جهاد نقش داشتند به سرعت در نقش مدیران ظاهر شدند و رهبری افغانستان نوین را به عهده گرفتند. از سه محور مهمی که در مبارزات سیاسی شهید مزاری برجسته بود، خبری نبود. نه مشارکت عالیه اقوام بر اساس فیصله بُن رعایت

”

آن چه شهید مزاری را وادار به مطالعه نظام‌ها در جهان کرد و در نهایت طرح نظام فدرالی را همچون راه حل ارائه کرد، تمرکز قدرت در مرکز، توزیع ناعادلانه منابع و فروریختن شیرازه دولت مقتدر مرکزی بود که در نتیجه آن حکومت‌های نیمه خودمختار غیررسمی در چهار سمت کشور به وجود آمده بودند.

“

شد و نه هم راهکارهای قانون اساسی برای مشارکت عادلانه رعایت شد. نه ساختار اداری تعدیل شد و نه هم طرحی در این راستا ارائه شد و در سنجش نفوس اتباع افغانستان هم همان تخمین‌های سیاسی تعیین کننده بود.

با ایجاد دولت انتقالی و استقرار نیروهای خارجی و برگزاری انتخابات فرصت سیاست‌ورزی برای مشارکت در رهبری افغانستان جدید فراهم شد. برای احزابی که سه دهه قومی اندیشیده بودند، قومی مبارزه کرده بودند و مطالبات قومی را مطرح کرده بودند دشوار بود به یکبارگی ملی اندیش شوند؛ لذا انتخابات‌ها نیز با رقابت احزاب قومی برگزار شد. در کنار این چالش‌ها فرصت‌های زیادی وجود داشت تا فضای رقابت دموکراتیک میان احزاب و جریان‌های سیاسی شکل بگیرد و جریان‌های سیاسی نیز می‌توانست بسترا برای رقابت حزبی سالم، ایجاد سیستم‌های شفاف انتخاباتی و حکومت‌داری فراهم نمایند. احزاب بزرگ به زیرمجموعه‌های منشعب شده از احزاب بزرگ تقسیم شدند و احزاب نوظهور زیادی پا به میدان مبارزات سیاسی گذاشتند؛ اما الگوی بد بازی با رویکرد قومی فرهنگ غالب در رقابت احزاب را نمی‌توان نادیده

گرفت. احزاب پس از بُن در افغانستان گرچه براساس قوانین جدید شکل گرفت؛ اما قواعد دموکراتیک در ساختار و فرهنگ مبارزات سیاسی آن‌ها هرگز رعایت شد. احزابی که یک عمر برای تمرکز قدرت مبارزه کردند در افغانستان پس از بُن خود رهبران مدام‌العمر احزاب‌شان شدند و هر چه از آدرس احزاب خواستند برای خود و مجموعه متعهد به خود خواستند و آرمان شهید مزاری

و سایر شخصیت‌هایی که عدالت را فراتر از شعار فریاد زدند فقط در مراسم سالگرد آن‌ها برای امتیازگیری‌های بیشتر یادآوری می‌شد. با ختم دوره طویل حکومت کرزی مردم افغانستان به درک روشن‌تری از حکومت‌داری و توسعه رسیدند. نسل جوانی که به تازگی از دانشگاه‌های داخل و خارج افغانستان مدارک تخصصی در دست داشتند به نیروی بزرگ منتقد تبدیل شدند و اشرف غنی در دوره‌ای از انتخابات در کنار احزاب و جریان‌های سیاسی با نسل جوان و چیزفهم افغانستان مخاطب شد. حکومت وحدت ملی نیز همانند دوره سیزده ساله حامد کرزی قابل نقد است به آسانی نمی‌توان از فرصت‌های از دست رفته در دوره حکومت وحدت ملی چشم پوشی کرد؛ اما از آن جایی که محوریت بحث حاضر پرداختن به آرمان شهید مزاری است، به اصلاحات نیز از همین منظر نگریندگی می‌شود. چند موضوع محوری در خصوص اصلاحات، مشارکت عادلانه و تغییر ساختار اداری، آن چه شهید مزاری برای آن مبارزه می‌کرد می‌شود برجسته کرد که مقدمه‌هایی برای آن در دوره کار اشرف غنی چیده شده است.

### مشارکت عادلانه

تعدیلات در قانون کارکنان خدمات ملکی، برگزاری آزمون کاندکور عمومی برای استخدام‌های ادارات، شامل‌سازی پروسه استخدام کارمندان عالی رتبه دولتی الی سطح معینیت از حالت گزینش سیاسی به یک پروسه رقابتی، استفاده از تکنالوژی در پروسه استخدام و به حداقل رساندن دخالت انسانی در این پروسه. هنوز نگرانی‌ها و نارضایتی‌های جدی از ناعادلانه

”

باوجودی که برای تمرکززدایی قدرت، نهادهای مختلف ولایت‌ها در تدوین و تطبیق برنامه‌ها بیشتر شده است؛ اما هنوز نگرانی از عدم توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها میان مرکز و ولایات وجود دارد.

“

مقننه و مردم افغانستان فراهم کرده است. در گذشته اگر مردم برای عدالت می‌جنگیدند، امروز برای عدالت فریاد مدنی سر می‌دهند و از رسانه‌ها برای انتقال پیام‌شان استفاده می‌کنند. گرچه حکومت هنوز در تطبیق قانون شارووالی‌ها، برگزاری انتخابات شورای اُلسوالی و تعدیل واحدهای اداری موفق نبوده است؛ اما در خصوص تدوین قوانین و تعدیلات در قوانین قبلی اقدامات لازم را روی دست گرفته است. باوجودی که برای تمرکززدایی قدرت، نهادهای مختلف ایجاد و صلاحیت ولایت‌ها در تدوین و تطبیق برنامه‌ها بیشتر شده است؛ اما هنوز نگرانی از عدم توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها میان مرکز و ولایات وجود دارد. برچیدن سایه ساختارهای تبعیض‌آمیز، وضع سیستم‌ها است تا در تعدیل واحدهای اداری به جای سلاقی اساسی معیارهای تعریف شده در قوانین تصمیم بگیرد و برای اصلاحات نیز ایجاد سیستم عدالت پایدار را تضمین می‌کند.

امیدوارم تجلیل از بیست و پنجمین سالگرد شهادت شهید مزاری برای سیاسیون افغانستان و برای سیاسیون هزاره‌گی فرصت تجدید نظر را فراهم کند. بیست سال اخیر ذهنیت و نگرش شهروندان افغانستان را متحول کرده است. لازمه رقابت در چنین فضا تجدید نظر بر روش مبارزات فعلی است. در سالروز شهادت شهید وحدت ملی اکثریت سیاسیون و رهبران احزاب از آرمان شهید مزاری سخن می‌زنند؛ اما کارنامه احزاب و جریان‌های سیاسی که خود را بانی اندیشه‌های شهید مزاری می‌دانند، نشان می‌دهد که تعهد لازم در این مجموعه‌ها وجود ندارد.

بودن مشارکت اقوام در ساختار حکومت وجود دارد. موارد فوق را می‌توان همچون مقدمه‌های ابتدایی برای سیستم‌سازی به هدف مشارکت عادلانه و مبتنی بر ظرفیت خواند؛ اما تعدیل قوانین در خصوص استخدام‌ها نشانگر تعهد حکومت و زیرکی استاد دانش است که تاریخ در مورد آن قضاوت خواهد کرد. تجربه حکومت‌داری در کشورهای درگیر منازعات نشان داده است که فقط ایجاد سیستم‌های شفاف است که می‌تواند وحدت ملی و زیست مسالمت‌آمیز را تضمین کند. با کم کردن دخالت انسانی در استخدام بست‌های پایین و متوسط خدمات ملکی رضایت عمومی تا حد زیادی جلب شده است؛ اما در گزینش‌های سیاسی هنوز به جای دانش و توانمندی افراد، علایق سیاسیون تعیین‌کننده است. شهید مزاری مشارکت عادلانه را با سنجش نفوس پیوند داده بود و خوشبختانه با وجود رقابت‌های سیاسی پروسه توزیع تذکره الکترونیک از دو سال بدینسو آغاز شده است و اکنون این پروسه به یک روند غیرقابل بازگشت، با گذشت هر روز سرعت می‌گیرد. با فراگیر شدن توزیع تذکره الکترونیک پروسه اصلاحات نیز سرعت خواهد گرفت.

## تغییر در ساختار اداری و اصلاحات

گرچه با گذشت بیست سال از عمر حکومت جدید هنوز تأثیرات ساختارهای تبعیض‌آمیز و سلیقه‌محور از افغانستان برچیده نشده است؛ اما تعهد حکومت جدید در قبال دسترسی شهروندان به معلومات و به رسمیت شناختن و حمایت از آزادی‌های مدنی شهروندان فرصت نظارت را از عملکرد حکومت برای قوه قضاییه،